



بنام کردستان بزرگ

Under Name Of Graet Kurdistan

دوستان عیب نکنند که چرا دل به تو دادم!
باید اول به تو گفتن که چنین خوب چرائی؟

کتاب کردستان و کرد

نویسنده : واسیلی نیکیتین

قونسول روسیه در ارومیه

1915 - 1918

عضوانجمن آسیایی وانجمن نژاد شناسی پاریس

عضو دایمی موسسه بین المللی مردمشناسی و

عضو وابسته آکادمی سیاسی - بین المللی.

مترجم : محمد قاضی

1363

گرد آورنده :

سرهنگ چیا

4- فرضیه دانشمندان مکتب یافتی درباره اصل و مبداء بومی بودن کردها: "دنباله فصل اول"

فرضیه بومی بودن اصل و مبداء کردها به وسیله ن. ژ. مار و مکتب اوکه به مکتب یافتی معروف است عنوان شده است. ما قبلا عقیده ای را که مار در 1911 در باره احتمال یکی بودن اصل و مبداء کردوخوا (کردها) و کرتها (گرجیها) که با تاریخ هزار ساله ای از هم جدا شده اند، ابراز داشته است بیان کردیم. برخلاف مینورسکی که در استدال خود می کوشد حتی الامکان به

دنبال روابط تاریخی - نژادی شناخته شده برود **مار** بیان نظریه خود را با نفی و انکار روابط تاریخی کرد - **کرتوه لی** و **بعبارت دیگر** با قطع آن روابط آغاز می کند، یعنی در این میان خلأیی بوجود می آورد که ناگزیر باید آنرا پر کرد. راست است که در صورت قبول معادله سه اسمی: **کردوخوا** - **کرتوه لیها** - **کردها** از اهمیت این خلأ به طرز محسوسی کاسته خواهد شد لیکن در این صورت نیز پایه امر را تنها بر تفسیرهای واژه شناسی گذاشته و خویشتن را از تکیه گاههای تاریخی - جغرافیایی مستدل محروم نموده ایم، و بعلاوه، اعتراضاتی را هم که علیه نزدیک نمودن **کردوخوا** به **کردها** شده است به حساب نیاورده ایم.

فرضیه **مکتب یافثی** که بدین گونه از مبانی تاریخی - جغرافیایی محروم می ماند باز به اشکال دیگری بر می خوریم. در واقع این نکته را نمیتوان انکار کرد که **زبان کردی** به صورتی که اکنون مامی شناسیم یک زبان ایرانی است. وبا قبول این واقعیت **مار** ناگزیر است چنین فرض کند که ((**زبان کردی** مسلماً یک تغییر اساسی پیدا کرده و بطور کامل از **یافثی** به **آریایی** در آمده است))، و بدین مناسبت به ذکر روایتی باستانی میپردازد که به موجب آن **کردها** زبان اولیه خود را رها کردند تا زبانی نزدیک به زبان فارسی پیدا کنند. در ضمن، به موجب همان روایت که **مسعودی** نیز به آن اشاره کرده است (رجوع شود به یادداشتها و مستخرجاتی از کتب خطی کتابخانه سلطنتی و سایر کتابخانه ها درباره **کردها** صفحه 303)، **کردها** در بدو امر به زبان عربی سخن می گفتند.

بنا بر این **مار** این فرضیه را میپذیرد که ممکن است **کردها** زبان خود را تغییر داده باشند (این امر فی النفسه غیر ممکن نیست، چنانکه مثلاً در مورد **بلغارها** پیش آمده است) لیکن در عین حال با تکیه به تصویر گویایی که کرپورتر بدست میدهد خاطر نشان می سازد که ((**آداب و رسوم کردها** به همان اندازه تغییر ناپذیر است که صخره های کوهستانهای کشورشان)) . **مار** در ضمن به یزدی بودن **کردها** (یکی از اعتقادات مذهبی ایشان) اشاره می کند که از یک سوم به مانده **نئیس** سابه **نئیس** مربوط می شود و از سوی دیگر به جریانهای الحادی مختلف که در ارمنستان بروز می کرد و نیز به واقعیات زندگی مذهبی که فراتر از ارمنستان و تا گرجستان مراعات می شد.

آنچه برای **مار** حایز اهمیت است مجموعه خصایص و نشانه هایی است که در تشکیل یک ملت یا به عبارت بهتر یک جامعه دخیل میباشد. زیرا **مار** و **مکتب او** در فرضیه های زبان شناسی خویش به بررسی آن دسته از واقعیات اجتماعی علاقه نشان می دهند که نقشی قاطع در درست شدن و گسترش یافتن زبان به آنها نسبت داده شده است. مفهوم " خانواده های زبان " در نزد **مار** و **مکتب او** مردود است و آنچه به حساب می آید شکل گرفتن نحوه درک و تفکر در درون گروههای انسانی از نخستین مراحل بدوی حیات ایشان به رهبری روشی است که انسان در برابر طبیعت و در قبال قبیله اش دارد و نیز به انگیزه شرايط و اوضاع و احوال کار و زندگیش صورت می گیرد. در نتیجه به مهاجرت ملتهایی که زبانی کاملاً ساخته و پرداخته دارند و احتمال داده میشود که

تاثیر قاطع در زبانهای ملل مغلوب ببخشد اهمیت کمتری می دهند. عامل اصلی تغییرات در نحوه سخن گفتن و غیره بیشتر برخورد نزدیک به نزدیک زبانها با هم در بین گروههایی است که به همکاری با هم وادار می شوند.

مارتنها یک اثر تحقیقی خود را (که در بالا اشاره کردیم) به مسئله کردها اختصاص داده، لیکن بعدها اتفاق افتاد که در آثار دیگر خود راجع به این موضوع سخن گفت، به طوری که از مجموع آن گفته ها می توان نظر خاصی استنباط نمود. بنا براین به عقیده **مار کردها** از بومیان مناطق کوهستانی آسیای صغیر هستند و زبان کردی در همانجا ترکیب یافته است نه در نقطه دیگری از کره زمین.

بر اثر تغییر حالت اجتماعی - اقتصادی دارندگان این زبان و نیز تحت تاثیر بی چون و چرای کانون های تمدنی که جانشین یکدیگر میشدند و کردها در جابجایی آنها سهم نسبتا فعالانه ای داشتند زبان کردی نیز تغییرات اساسی می یافت و از حالت "یافتی" خود که کردی را با زبان گرجی و خالدی منسوب می نمود به سمت حالت هندو اروپایی که کردی را به زبانهای ایرانی و زبانهای ارمنستان و شاید هم عوامل ((هندو اروپایی)) زبانهای هیتی می پیوست سوق میداد. و سرانجام از آغاز دوران ملوک الطوائفی (فئودالیتة) کردستان، زبان کردی تحت تاثیر زبان ترکی قرار می گیرد، به قسمی که کردی خصیصه هند و اروپایی بودن خود را تنها در مراحل ازبسط و گسترش خویش نشان می دهد که نه از دوره های آغاز آن بشمار می آیند و نه از مراحل پایانی تشکیل آن.

و اما دلایل این تغییرات چیست؟ **مار** می گوید: ((این تغییرات ناسی از مهاجرت های دسته جمعی نیست بلکه تغییر محل های انقلابی قشرهایی از اجتماع است که از یافتن منابع جدید حیات مادی از تکنیک های کیفی جدید و نیز از نظام اجتماعی کیفی تازه نتیجه می شد. در نتیجه، طرز درک و تفکر تازه ای پیدا شد و همراه با آن ایدئولوژی تازه ای در ساختار زبان و طبعا در تکنیک جدید آن بوجود آمد)).

و اماراجع به نام کردها، **مار** معتقد است که تقارن آن با واژه ارمنی "کورت" به معنای "خواجه" اتفاقی نیست، لیکن واقعیت های مشابه (مثلا گوران که در کردی به طبقه خاصی از آن ملت اطلاق می شود، یا کرچایی که به زبان ارمنی نام قبيله ای از ارمنه است یا **قردو** که به معنای "گرجی" است و نزدیک بودن واژه **قرد گرجی** به **کردوخویی**) این تلاقی واژه ها و اصطلاحات اجتماعی و زبان شناسی گواهی میدهد بر اینکه همه ملت ها، همه قبيله ها، و به بیان واقع، همه تشکیلات اجتماعی - اقتصادی پیش از سازمان یافتن به شیوه رومیان به طور کلی با نظام مادر شاهی و مخصوصا با نظامی که در لوای آن تولد و تغذیه کودک به وسیله سازمان خاصی اداره می شد که در آن خواجگان نقشی مذهبی بازی می کردند آشنا بودند. واژه کردی هوو یا هووی به معنای "زن" به عقیده **مار** اثری است که از آن سازمان برجای مانده است؛ معنای اولیه آن "زن صیغه" یا "زن حرم" بوده که از مفهوم جمعی به سوی مفهوم فردی تحول یافته است.

از مقایسه واژه کورت با واژه ارمنی مشابه آن ماردپت که آن نیز به معنای خواجه است **مار** به نتیجه ذیل می رسد: واژه " ماردپت" یک واژه قبیله ای خالص است؛ همان گونه که واژه ارمنی " کورت" مظهر و نام یک عشیرت است و پیش از آن نام توده متشکل اجتماعی - اقتصادی یعنی کورتها یا کردها بوده است " ماردپت" نیز به معنای رئیس (پت) قبیله ماردها است که مشابه است با ترکیب نام مدیها، زیرا نام مدیها یا مادا (با آی کشیده) به ریشه اصلی خود مارد بر می گردد و نام مدیها نیز به نوبه خود در زبان ارمنی همان کلمه **مار** است که جزء اول نام عشیرتی مدیها است (مادا ... ماردا).

از طرفی هم مشاهده این امر بسیار عجیب است که دو محقق نامدار، یعنی: **مینورسکی و مار** با اینکه از دو راه مختلف رفته اند به نتایج تقریباً مشابهی رسیده اند. حداقل از دید هر دو محقق سهم **مدیها** در تکوین نژاد کردها مسلم به نظر می رسد.

از طرفی هم **مار** در جریان تحقیقات خودراجع به خالدها وراجع به زبان دسته دوم (غیرایرانی) بکار رفته در کتیبه های هخامنشی روابط بسیار نزدیکی بین زبان کردی و زبان مدی مشاهده می کند، و در بعضی قسمتها زبان اولی همچون وارث مستقیم زبان دومی در نظرش جلوه گر میشود. در ضمن واژه نژادی ((کرمانج)) که **مینورسکی** آن را به شیوه معقولی تفسیر کرده **مار** آنرا به همان شیوه تفسیر ننموده است. **مار** گاهی آن را به واژه ارمنی " هرمن" یا " کرمنج" یا " کور- مانج" نزدیک می سازد و گاه گمان می کند که در آن یک واژه " **سیمری**" یافته است.

بطور خلاصه باید گفت که در مسئله اصل و مبداء کردها ما با دو فرضیه مواجه هستیم: یکی که ایشان را ایرانی (هندو اروپایی) میدانند و معتقد است که در قرن هفتم پیش از میلاد جابجا شده یعنی از ناحیه دریایچه ارومیه به طرف بوتان (کنتریت) نقل مکان کرده اند؛ و دیگری که معتقد به بومی بودن کردها است و ایشان را با سایر ملت های آسیای صغیر از قبیل: **خالدها، وگرجیها و ارمنیها** خویشاوند می داند و می گوید که کردها بدواً به زبان آنها حرف می زدند و بعدها یک گویش ایرانی را بجای آن بکار بردند.

از طرفی خواهیم دید که این دو فرضیه یکدیگر را از جمیع جهات نفی نمی کنند. در واقع، از یک سو مینورسکی امکان نفوذ زبانهای آسیای صغیر را روی زبان کردی می پذیرد و در نتیجه گیری از بحث خود که ما خلاصه آنرا در بالا ذکر کردیم میگوید: ((... وجود دو " ر" و دو " ل" وجه مشترکی است ما بین زبان ارمنی و کردی، و ممکن است سابقه آن به ریشه بومی و قدیمی آنها بر گردد. و نیز درخور ذکر است که پسوند " ته" به عنوان علامت جمع در لهجه های کردی شمال دیده میشود (مانند کلیشته به معنی راهزنان)، یعنی در مناطقی که بنا به فرضیه **مار** بیشتر احتمال میرود که آثاتی از گویشهای " مادری" بیابیم. گویشهای جنوب با این پسوند آشنایی ندارند. بنا براین بعید نیست که نشانه ای از استقرار قسمتی از سیتها در میان منایبها یعنی اجداد مسلم ماردها را در آن ببینیم. پی نویسی: ((مینورسکی در جای دیگری خاطر نشان می سازد که تبدیل " دال" به " لام" از خصوصیات

زبان کردی است و برای مثال میگوید که مملان محمد بوده است. من نیز مثال دیگری بران می افزایم و آن خداست که خلا (خولا) هم می گویند. (مولف).

مار نیز به نوبه خود ضمن اینکه اصرار بر بومی بودن کردها دارد نمی تواند از قبول این نکته سر باز بزند که آنان از اعقاب مدیها هستند، و تصدیق دارد بر اینکه قشر **یافتی** در ساختار زبان کردی کمتر آشکار است، و حال آنکه در قسمت هند و اروپایی خود بسیار خوب نشان می دهد که زبانی ایرانی است.

از این گذشته، از نظر تاریخی نیز این دو فرضیه الزاما با یکدیگر مغایر نیستند، چه، به موجب هر دو فرضیه **کردها** در حدود نیمه های قرن هفتم پیش از میلادی مسیح بر کناره های شعب سمت چپ رود خانهء دجله ظاهر می شوند. بنابراین آنان در آنجاها مدت های مدیدی با **کردوخوا** که نامشان به وسیلهء گزنفون در حدود سالهای 401 - 400 پیش از میلاد به ما گفته شده است و به قول " لمان هاوپی" برای مهاجرت به سمت **گرجستان** نبایستی تا پس از آمدن اسکندر کبیر و شاید هم دیرتر یعنی در طول قرن اول پیش از میلاد مسیح این نواحی را ترک گفته باشند همسایه بوده اند. و این خود مدت زمان نسبتا درازی است برای اینکه ((کیرتیویها و کردوخیها)) - دو قبیله کوهستانی مجاور هم - این امکان را یافته باشند که با هم تماس بگیرن و از هر جهت در یکدیگر تاثیر ببخشند. من به نوبه خود اجازه می دهم مثالی نزدیکتر به زمان خودمان در این باره بیاورم، و آن مثال **نسطوریهای** کوه نشین است که وقتی **دشت موصل** را برای اقامت در کوهستانهای بالای **رودخانهء زاب بزرگ** ترک گفتند از بسیاری جهات به همسایگان خود یعنی به **کردها** شباهت پیدا کردند، چنانکه قصه ها و آوازهای کردی در نزد **نسطوریها** بسیار رایج است. هم اکنون قبایلی از **کردها** هستند که سابقا مسیحی بودند. هر دو زبان واژه هایی از یکدیگر به عاریت گرفتند و کسانی به هر دو زبان سخن می گویند در میان آنان فراوانند.

نه تنها نباید در افتراق روش در تحقیقات راجع به **اصل و مبداء** کردها تاسف خورد بلکه بر عکس باید آرزو کرد که هر کدام در قلمرو کوششهای خود به گردآوری و تجزیه و تحلیل واقعیات تاریخی و اجتماعی و زبان شناسی ادامه بدهند. و نیز بسیار جالب خواهد بود که در قضیهء دوران **مادر شاهی** غور و تعمق بیشتری بعمل آید. ما میدانیم که بطور کلی ملت های آسیای صغیر به وسیلهء وجود این نظام در میان ایشان، و همچنین به وسیلهء **محاسبهء بیست بیست** و به وسیلهء افراط در هرزگی مذهبیشان از دیگران متمایز میشوند. **مار** در تجزیه و تحلیلی که از واژهء "**خواجه**" می کند راهی را که در موضوع نظام مادر شاهی باید دنبال کرد برای ما مشخص می نماید. به گمانم بدانیم که لااقل در بعضی از قبایل کرد هنوز این عادت وجود دارد که بچه هارا به نام خانوادگی مادرشان می خوانند، و این اثری باقیمانده و پر معنی از زمانهای دور است که جا دارد با دقت بیشتری مورد مطالعه قرار بگیرد. موضوع **محاسبهء بیست بیست** نیز آنگونه که **و.ل. ویلچفسکی** در تحقیقات خود در این زمینه ثابت کرده است باید آثاری از خود در زبان کردی بر جای گذاشته باشد.

پی نویسی مولف: (در قضیه ای هم که من در مجموعهء قصه های خود دارم اشاره ای می بینم به اینکه در میان بعضی قبایل کرد اعداد را تا بیست بیشتر نمیشمارند

برای شمارش 30 می گویند 20 باضافه، 10 ، برای شمارش 40 می گویند دو بیست و برای شمارش 100 می گویند پنج بیست و برای شمارش 1000 می گویند ده بار صد.
(مؤلف).

و سر انجام، افراط در هرزگی (البته به طرز بسیار خفیفتری) به کردهای یزیدی و به کردهای درسیم (قزلباش) نسبت داده شده است، و همهء این ویژگیها در خور آنست که بیشتر مورد دقت و توجه ما قرار بگیرد. هر گاه در این کاوش و تحقیق به جایی برسیم که این مطالب بیشتر تایید بشود و مدارک و اسناد مسجلتری گردآوری کنیم فرضیهء " بومی بودن " کردها بیشتر تقویت خواهد شد. همچنین هر گاه این فرضیه بتواند خواه در آهنگ صدا و لحن تلفظ، خواه در شکل شناسی یا در واژه های زبان کردی چیزهایی غیر ایرانی در آن به ما نشان بدهد بیشتر تایید میگردد.

ما به سهم نا چیز خویش کوشیده ایم اندیشه های خود را در این باره بیان کنیم و چند مورد مربوط به اشتقاق کلمات بدست بدهیم که نمونه هایی از تشابه کردی - یافتی در آن باشد.

(رجوع شود به یاداستهای راجع به زبان کردی، آیا زبان کردی یک زبان ایرانی است؟ در مجلهء مطالعات شرقشناسی، چاپ 1934).

5 - عقیدهء کردها در بارهء اصل و مبداء خودشان ادامه دارد.

Chia.rabii@yahoo.com

2009/10/10

مالمو سوئید